شهرآرا
۲شنبه
۳۱ فروردین ۱۴۰۵
۲ ذی‌القعده ۱۴۴۷
شماره ۴۷۳۹
SHAHRARANEWS.IR

دادوستد مواد افیونی در پوشش ضایعاتی

شهرآرا| مرد جوان طوری برنامه‌ریزی کرده بود که مو لای درز نقشه‌اش نمی‌رفت. او با دایرکردن انبار ضایعات در حاشیه شهر، افرادی را دور خودش جمع کرد بود و با شگردی مکارانه هم این معتادان دزد را راضی نگه می‌داشت و هم خودش سود کثیفی به جیب می‌زد. مأموران کلانتری گلشهر باکسب خبری مبنی بر تهیه و توزیع گسترده مواد افیونی توسط متصدی یک انبار ضایعاتی بلافاصله برای بررسی موضوع وارد عمل شدند. در بررسی‌های نامحسوس مأموران کلانتری گلشهر مشخص شد گرداننده این محل با خرید اموال مسروقه از افراد معتاد به آن‌ها موادمخدر می‌دهد. تیم رسیدگی‌کننده پرونده پس از هماهنگی‌های لازم قضایی در اقدامی غافل‌گیرانه متهم را دستگیر و در بازرسی از انبار ضایعات ۱۷۵۴گرم تریاک و ۴۳گرم شیره تریاک و مقادیر زیادی لوازم مسروقه شامل کابل برق و آهن‌آلات کشف کرد. متهم پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

کشف بزرگ سوخت قاچاق در یک روستا

شهرآرا| روستاهای متصل به شهرها یک مزیت عمده دارند و اهالی آن می‌توانند با مخارج کمتر نسبت به شهرنشین‌ها، از امکانات شهرهای بزرگ استفاده کنند. اما درکنار این مزیت، یکی از مشکلات عمده‌ای که‌گاهی گریبان اهالی این روستاها را می‌گیرد، مخفی‌شدن مجرمان در این روستاها یا مخفی‌کردن اقدامات مجرمانه‌شان در این نقاط است. در روزهای گذشته، پلیس مشهد یک انبار بزرگ سوخت قاچاق را در یکی از همین روستاها کشف کرد. پیگیری این پرونده باکسب خبری مبنی بر انباشت مقادیر زیادی سوخت قاچاق در یک منزل مسکونی در یکی از روستاهای محدوده جاده کنه‌بیست، بلافاصله عوامل انتظامی برای بررسی موضوع وارد عمل شدند. مأموران پاسگاه انتظامی هلالی پس از شناسایی محل و اطمینان از صحت موضوع با هماهنگی قضایی وارد عمل شدند. در بازرسی از این منزل ۲ هزار و ۲۰۰لیتر گازوئیل قاچاق و خارج از شبکه توزیع فراورده‌های نفتی کشف کردند. در ادامه، سوخت‌های قاچاق به شرکت نفت تحویل و فرد متخلف پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به اداره تعزیرات حکومتی معرفی شد.

نوشیدنی‌های خارجی به مشهد نرسید

شهرآرا| تصور راننده این بود که چون نوشیدنی‌های خارجی در بازار به‌وفور پیدا می‌شود، کسی به بار اوکه به‌صورت قاچاق حمل می‌شد، شک نخواهد کرد؛ تصوری که پلیس مشهد آن را اصلاح کرد. در راستای طرح سراسری مبارزه با قاچاق کالا، مأموران بخش انتظامی احمدآباد شهرستان مشهد دیروز هنگام گشت در شهر ملک‌آباد به یک دستگاه وانت‌نیسان مظنون شدند. مأموران انتظامی بخش احمدآباد پس از متوقف‌کردن خودرو، در بازرسی از آن ۶هزار و ۶۶۰ قوطی نوشیدنی خارجی قاچاق و فاقد هرگونه مجوز حمل کشف کردند. ارزش این محموله قاچاق برابر ارزیابی کارشناسان گمرک، ۳میلیارد و ۳۰۰میلیون ریال برآورد شده است. در ادامه، خودرو توقیف و فرد متخلف پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی به اداره تعزیرات حکومتی معرفی شد.

سارق طلا با دیدن مأموران رنگ باخت

شهرآرا| پس از چندین روز کار اطلاعاتی، مأموران مطمئن شدند که پشت درهای یکی از خانه‌های منطقه مطهری شمالی رازهای ناگفته‌ای باقی است، مأموران پس از هماهنگی، پشت در این خانه حاضر شدند. مردی جوان همین‌که در را بازکرد، با دیدن مأموران رنگش پرید. همین نکته که از چشم پلیس دور نمانده بود، نشان داد که پلیس نشانی را درست آمده است. در پی گزارش سرقت مقادیری طلا و نقره از یک منزل مسکونی در محدوده بولوار مطهری شمالی، موضوع در دستورکار تیمی از مأموران تجسس کلانتری شهید هاشمی‌نژاد قرار گرفت. در بررسی در صحنه جرم، مشخص شد سارق در نبود صاحب خانه با نفوذ به داخل یک منزل مقادیری طلا و نقره به ارزش بیش از ۶میلیارد ریال را سرقت کرده است. مأموران با بررسی دقیق آثار به جامانده از سارقان در محل جرم و استفاده از شیوه‌های نوین پلیسی، متهم راکه فردی سابقه‌دار است و در همان محدوده زندگی می‌کند، شناسایی کردند. تیم رسیدگی‌کننده پرونده، پس از جمع‌آوری ادله و مستندات کافی، با هماهنگی قضایی متهم را دستگیر و در بازرسی از محل اختفای او اموال مسروقه راکشف کرد و به مال‌باخته عودت داد. متهم پس از تشکیل پرونده قضایی، برای سیر مراحل قانونی به دادسرا معرفی شد.

حذف شدن یک روستا از نقشه در آتش سوزی

ایسنا| مقامات مالزی اعلام کردند آتش سوزی مهیبی دیروز در یک روستای ساحلی در شمال شرق این کشور، حدود هزار خانه را ویران و هزاران نفر را آواره کرد. این آتش سوزی صبح زود در یک «روستای آبی» در منطقه «سانداکان» رخ داد؛ جایی که برخی از فقیرترین ساکنان مالزی از جمله جوامع بومی و بی خانمان ها در خانه های چوبی در محله های متراکم زندگی می‌کنند. این حادثه بسیار بزرگ ۹هزار و ۷نفر از ساکنان را تحت تأثیر قرار داد.

۱۲کشته در پی اصابت صاعقه

ایسنا| مقامات بنگلادش اعلام کردند دوازده نفر در شش منطقه این کشور بر اثر اصابت صاعقه جان باخته‌اند. منابع محلی اعلام کردند بیشتر تلفات ناشی از صاعقه در مناطق روستایی رخ داده و مردمی راکه در حال کار در زمین های کشاورزی خود بوده‌اند، تحت تأثیر قرار داده است.

متهمی که ۲نوجوان ثروتمند را برای دزدی آموزش داده بود، دستگیر شد

استخدام دانش‌آموزان برای دزدی!

سعید جلائیان

گزارش

چند روز پیش زن جوانی در محدوده بولوار سجاد داشت برای ملاقات با دوستانش از خانه خارج می شد که صدای زنگ خانه اش را شنید. او با این تصور که پشت در دوستانش هستند، در حیاط را بازکرد و با مردی جوان روبه رو شد. این مرد حدود چهل سال سن داشت. غریبه سلام کرد وگفت که با پرهام کار دارد. زن جوان که از دیدن این مرد غریبه تعجب کرده بود و نمی دانست این مرد با پسر چهارده ساله اش چه کاری می تواند داشته باشد، در پاسخ گفت که پرهام در خانه نیست و از مرد پرسید که با پسرش چه‌کاری دارد. مرد غریبه بالحنی طلبکارانه به زن گفت که پرهام به او گفته است برای بردن یک کیس رایانه به اینجا بیایم. مادر پرهام که از این مرد غریبه می ترسید، گفت که در خانه کیسی نداریم. او در را بست، اما به محض اینکه متوجه شد مرد سوار خودرویش شد، دوباره در را بازکرد و از پلاک خودرو عکس و فیلم گرفت. با دورشدن خودرو، او به داخل خانه اش برگشت و وارد اتاق پسرش شد که چشمش به یک دستگاه کیس و مانیتور با برچسب یک نهاد آموزشی افتاد. پاهای زن سست شد و روی زمین نشست. با نگرانی عمیق در افکارش غرق شده بود که متوجه تماس تلفنی دوستانش شد. زن که انگار به دنبال مقصر می‌گشت، با عصبانیت شدیدی تلفنش را پاسخ داد. او به دوستانش که پشت در خانه منتظرش بودند، گفت من نمی آیم، بروید. وقتی اصرار آن ها را شنید، گفت که آن قدر با شما وقت گذرانده ام که از تربیت پسرم غافل شده ام. حدود ۱۰دقیقه بعد، زن صدای بازشدن در خانه را شنید. این زن که همیشه خودش را یک مادر امروزی می دانست، هردو دمپایی اش را به سمت پسرش پرت کرد. مادر جوان دست بردار نبود. گوش پرهام را گرفت و او را به سوی اتاقش کشاند. گفت وگوی مادر و پسر در اتاق حدود سی دقیقه طول کشید. آن ها پس از گفت وگوی مفصل، با هم از خانه خارج شدند و مستقیم به کلانتری سجاد رفتند و پس از ورود به مقر پلیس، مستقیم به اتاق رئیس کلانتری رفتند.

مادر از پسرش خواست مقابل سرهنگ ابراهیم خواجه پور ماجرا را بازگو کند، اما پرهام حرفی نزد و سکوت کرد. مادر که سکوت پسرش را دید، سرش داد زد و با ارائه تصاویری از یک دستگاه خودرو اطلس، توضیح داد: حدود یک ساعت قبل داشتم از خانه بیرون می رفتم که زنگ خانه را زدند. وقتی در را بازکردم، مردی جوان را دیدم. گفت پسرم به او گفته است بیاید و کیس کامپیوتر را ببرد. من گفتم اصلا چنین کیسی نداریم. او پرسید: امکانش هست بروید نگاه کنید؟ گفتم نه. او تشکر کرد و سوار یک خودرو اطلس شد. همان موقع شروع به فیلم برداری و عکس گرفتن کردم. وقتی او رفت، در اتاق پسرم سیستم کامپیوتر را پیدا کردم که روی آن یک برچسب داشت. وقتی پرهام به خانه آمد، داستانی برایم تعریف کرد که باورش سخت بود. برای همین او را به اینجا آوردم تا خودش ماجرا را برای شما تعریف کند.

نیشگون مادر و اعتراف پسر

زن جوان از پسرش نیشگونی گرفت تا شاید پسرش را به حرف زدن وادارد. پرهام جای نیشگون مادرش را فشار داد و گفت: او اسط پارسال من به اتفاق چهار نفر از دوستانم در کوچه نشسته بودیم که مردی به جمع ما اضافه شد. او سلام کرد وگفت بچه ها، من پیشنهادی دارم که شما را پول دار می‌کند. سه نفر از بچه ها همان لحظه ترسیدند و رفتند، اما من و دوستم، شهرام، ماندیم. این مرد که بعدها خودش را علی معرفی می‌کرد، گفت بچه ها، من به شما پیشنهاد شراکت می دهم. اوگفت اگر بتوانید از یک جا چند دستگاه کامپیوتر بردارید و برای من بیاورید، به شما پول خوبی می دهم. من و شهرام وسوسه شدیم تا به حرف های این مردگوش بدهیم. او نقشه اش را برای ما تعریف کرد وگفت کسی به ما شک نمی‌کند و می توانید به راحتی این کار را انجام بدهید.

پسر نوجوان ادامه داد: چند روز طول کشید تا ما به علی پاسخ بدهیم. ما به مکانی که این مرد گفته بود، آشنا بودیم. برای همین تصمیم گرفتیم یک بار امتحان کنیم. هردو به اتفاق هم وارد محل مدنظر شدیم که شبیه یک انبار بود. آنجا یک نگهبان داشت. برای همین با احتیاط زیادی وارد شدیم. شهرام بیرون از انبار ایستاد و من از داخل یک کیس کامپیوتر را برداشتم و خارج شدم. روز بعد ما با علی تماس گرفتیم و گفتیم که کار را انجام دادیم. او وقتی آمد، کلی از ما تعریف کرد که کار را به بهترین شکل انجام داده ایم و می توانیم خیلی زود ثروتمند بشویم. او وقتی کیس را دید، گفت حیف شد، این سیستم قدیمی است. با وجود این، او چند میلیون تومان به ما پول داد و از ما خواست مانیتورش را هم برداریم. به همین ترتیب بود که ما بارها برای برداشتن کیس و مانیتور به این مکان مراجعه می‌کردیم.

۱۰سیستم با مانیتور به مال‌خر تحویل دادیم

پرهام درباره تعداد سیستم ها گفت: اولش علی به ما پول می داد، اما بعد از مدتی گفت که قطعات سیستم ها روی دستش مانده است و وقتی آن ها را فروخت، پولش را با ما تقسیم می‌کند. این موضوع سبب شد ما کمتر و آرام تر سیستم ها را برداریم. با وجود این، درمجموع حدود ۱۰دستگاه کیس و مانیتور به او دادیم. این شخص نیز حدود ۱۲میلیون تومان به ما داد و قرار شد مابقی را پس از فروش سه دستگاه کیس و مانیتور به ما بدهد.

پس از ثبت اظهارات پرهام، مأموران به سراغ شهرام و خانواده اش رفتند؛ خانواده ای که پس از شنیدن ماجرا، شوکه شدند و با حضور در مقر پلیس، از آمادگی خود برای پیگیری این پرونده خبر دادند. شهرام در بازجویی اولیه اظهارات پرهام را تأیید کرد.

پس از ثبت اظهارات عجیب این دو نوجوان، رئیس کلانتری سجاد با هماهنگی مقام قضایی، نقشه دستگیری مال خر را طراحی کرد. طبق نقشه، قرار شد پرهام در تماس با علی، او را به خانه شان بکشاند. شهرام در تماس با همدستش گفت: علی آقا، ببخشید، وقتی آمدی، من در خانه نبودم. لطفا برای بردن سیستم دوباره بیا، چون مادرم حساس شده است و تا دو ساعت دیگر برمی‌گردد. درنهایت پرهام با مال خر قرار گذاشت که ۴۵ دقیقه بعد مقابل خانه اش بیاید. حدود ۴۵ دقیقه بعد، خبر مشاهده یک دستگاه خودرو اطلس مقابل خانه پرهام تأیید شد. راننده با پرهام تماس گرفت وگفت که منتظر است.

دستگیری متهم با کمک یک دانش‌آموز

پرهام با تیزهوشی پاسخ داد که کسی در خانه نیست و از علی خواست برای بردن کیس به داخل بیاید. با این درخواست، متهم اصلی از خودرو پیاده شد و وارد خانه این نوجوان شد. همین‌که پایش را داخل حیاط گذاشت، مأموران او را محاصره و دستگیر کردند. با دستگیری این مرد جوان، مأموران او را به کلانتری منتقل کردند. متهم پس از انتقال به مقر پلیس، در بازجویی ابتدا منکر اتهامات شد و ادعا کرد نمی داند ماجرا چیست، اما وقتی صدای ضبط شده مکالمه خودش با پرهام برایش پخش شد، سکوت کرد.

علی که سابقه دار بود و راهی برای انکار نداشت، گفت این دو نوجوان را برای سرقت سیستم های کامپیوتری تشویق کرده است، چون کسی به آن ها شک نمی‌کند. پس از اظهارات، مأموران برای بازرسی از مخفیگاه وی به قاسم آباد رفتند و سه دستگاه کامپیوتر و ۹ مانیتور سرقتی را کشف و ضبط کردند. با تکمیل پرونده، متهم به زندان منتقل شد و دو نوجوان به شرکت در جلسات مشاوره تخصصی ملزم شدند.

عکس: اختصاصی شهرآرا

پراید یشمی، سرنخ سرقت‌های سریالی

خبر

سهیل دیبا| شهروندان یکی پس از دیگری در تماس با پلیس از سرقت لوازم داخلی خودروهایشان در محدوده سیدی شکایت داشتند؛ موضوعی که با توجه به سریالی بودنش موجب ورود گروهی از افسران کلانتری سیدی به پرونده شد.

افسران تجسس کلانتری سیدی تحقیقات جامعی را درباره این سرقت ها آغازکردند. بررسی اظهارات مال باخته ها نشان داد که همه سرقت ها در نیمه شب انجام شده است و بیشتر خودروهایی هدف سرقت قرار گرفته اند که مدل پایین بوده اند یا تجهیزات ایمنی نداشته اند و در پارکینگ نبوده اند.

با این یافته ها، گروهی از مأموران تحقیقات گسترده میدانی شبانه را در دستورکار قرار دادند. بررسی های اولیه نشان داد که یک پراید یشمی رنگ در محدوده وقوع همه سرقت ها تردد داشته است؛ موضوعی که ظن مأموران را در دست داشتن سرنشینان خودرو در این سرقت ها برانگیخت.

با اقدامات فنی صورت‌گرفته، مأموران متوجه شدند که این خودرو در یک خانه در خیابان سپاه رفت وآمد دارد. پلیس به صورت نامحسوس این خانه را زیر نظر گرفت و پس از چندین روز کنترل نامحسوس، مطمئن شد که سرنشین پراید یشمی در این سرقت ها نقش دارد و پس از هر سرقت در خانه شناسایی شده مخفی می شود.

مأموران با هماهنگی قضایی به صورت ضربتی و شبانه وارد این مخفیگاه شدند و هم زمان با دستگیری یک متهم، موفق به کشف یک پراید سرقتی و تعدادی باتری خودرو، آچارآلات، لاستیک زاپاس خودرو و... شدند.

با این کشفیات، متهم همراه وسایل مسروقه راهی کلانتری سیدی شد. بررسی ها نشان داد که این متهم سی و دوساله دارای سوابق متعدد کیفری است. در چندین مرحله بازجویی های علمی پلیس، متهم علاوه بر سرقت خودرو پراید، به ۲۶ فقره سرقت باتری و دیگر قطعات خودرو در شهرک سیدی و دیگر مناطق شهر مشهد اعتراف کرد. متهم پس از سیر مراحل قانونی، با صدور حکمی روانه زندان شد.

عکس تزئینی است

جدول ۴۵۳۵
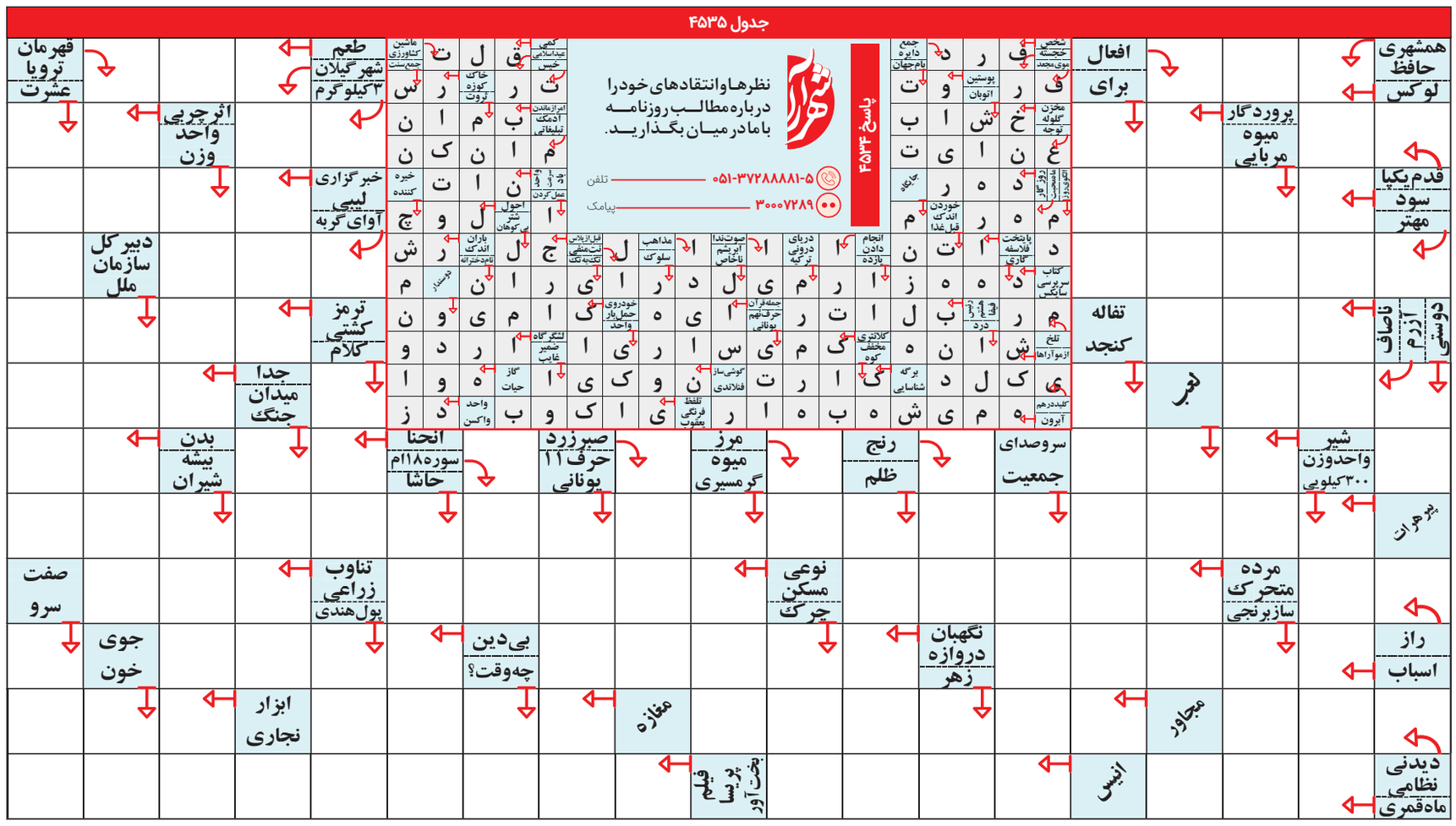
نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹
پاسخ ۴۵۳۴